

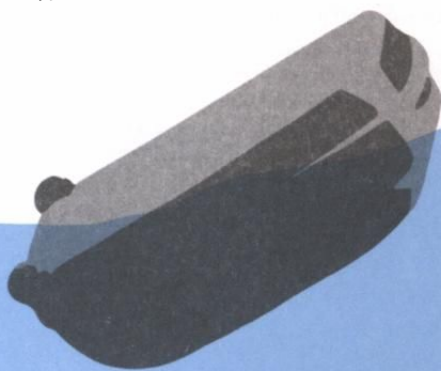
وکسی نمی داند در کدام زمین می میرد

روایتی از سفر به کابل، هندوکش، تفتلیس، آتن، هرات، کابل، جنوا، قونیه، مون پلیه



مهرزاد الیاسی بختیاری

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور

و کسی نمی داند در کدام زمین می میرد؛

مشخصات نشر

نویسنده مهزاد الیاسی بختیاری

مشخصات ظاهری

تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۲.

شابک

۱۵۲ ص.

۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۶۹۳

وضعیت فهرست نویسی

فیفا

فروست

مجموعه‌ی من هنوز در سفرم، ۱.

www.ketab.ir

مجموعه‌ی من هنوز در سفرم ۱۱

وکسی نمی‌داند در کدام زمین می‌میرد

روایتی از سفر به کاتماندو، بامیان، تفلیس، آتن، هرات، کابل، جنوا، قونیه، مون‌پولیه

ویرایش: الهام شوشتری‌زاده

صفحه‌آرایی: حمیدرضا کیانی

طراح جلد: محبوبه کلایی

عکس جلد: Anne Moffat

چاپ: کاج صحافی: نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۰-۰

چاپ ششم، ۱۴۰۰، ۱۰۰ نسخه

اطراف

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است. نقل پرش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصلح جنوبی، کوچه‌ی تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

تلفن: ۲۲۹۰۲۹۷۵

Atraf.ir



فهرست

- ۱۳ وقتی زمان در پاشوپاتینات ناگهان ایستاد
- ۲۳ بودا، به من نگاه کن که نیست، هست
- ۳۱ غریبه‌ای در سرزمین خودت
- ۳۹ مرزهایی که نمی‌دیدم
- ۴۵ دماوند می‌توانست به آبی بزند له‌مان کند
- ۵۱ سفر در جاده‌ای که نمی‌شناسی
- ۶۱ چه سرسبز بود دره‌ی من

www.ketab.ir

- ۶۷ هسته‌ی تپنده‌ی ترس و لرز
- ۸۱ افسانه‌ی ۱۹۰۰ در گالاتا
- ۸۷ حتی برای گریه هم وقت نداشت
- ۹۵ اکنون چشم به راه است و چشم به راه
- ۱۰۷ از درب حُسن
- ۱۱۷ اگر کلمه نبود چه می کردیم؟
- ۱۳۷ اجتماع سوگوار تجربه‌های پریده‌رنگ
- ۱۴۷ شاید نوشتن تنها راه نجات باشد

سخن‌ناشر

سفر با همه‌ی تفاسیر عینی و استعاری‌اش بستری را فراهم می‌کند تا از هیاهوی قبیله‌سازی‌های جدید و یارکشی‌های حقیقی و مجازی فاصله بگیریم و به خودمان بیندیشیم. با سرنگونی امپراتوری‌های باستانی و برچیده شدن بساط مستعمره‌سازی سنتی ابرقدرت‌ها در نقاط مختلف جهان، تعاریفی که ساختار قدرت از «من» افراد تحت سلطه‌اش ارائه داده و نهادینه کرده بود، به‌ظاهر فرو ریختند. انسان امروز خود را در ساخت و تعریف هویتش آزاد و مختار می‌پندارد. اما حقیقت این است که در دوران پسامدرن نیز غوغای گفتمان‌های متعدد قدرت که از ویرانه‌های امپراتوری‌های سرنگون شده سر برآورده‌اند و در حال پیکار با یکدیگرند، کمتر مجال‌ی برای خلوت ما با خودمان می‌گذارند. در این میانه، سفر نه برای فرار از خود، که با هدف جست‌وجو و تعریف مجدد «من» هامان در نسبت با هر آنچه و هر آن‌که دیگری محسوب می‌شود، فرصتی مغتنم است. روایت

سفر، خواه سفر را حرکتی در فضای فیزیکی در نظر بگیریم و خواه تقلایی در فضای ذهنی، همان قدر که از مختصات تاریخی و جغرافیایی تأثیر می‌پذیرد، بر اساس ویژگی‌های «من»ی که مصرانه در جست‌وجو و ساخت خود است، عمق و بسط می‌یابد. ژرف‌اندیشی در مفهوم سفر، به طور عام، و خصوصاً هنگام سفرهایی که در قاب توریسم و بازدید از ویرترین کشورهای مختلف نمی‌گنجند، معمولاً با سیرو سفری درونی عجین می‌شود که اگر به یافتن گم‌شده‌ی انسان ختم نشود، دست‌کم او را از اضطراب جا ماندن از قافله‌های تندپا و بلندگوبه‌دست گردشگران بی‌شمار اطرافش می‌رهاند.

این روزها کم نیستند کسانی که به موج‌های بلند مسافران پیوسته‌اند و با ارسال عکس و خبر از لحظه‌لحظه‌ی سفرهاشان یا حسرتی به دل خانه‌نشینانی که شرایط سفر ندارد، می‌نشانند یا انگیزه‌ی حرکت دسته‌ای دیگر می‌شوند. اما ناشناخته‌ی مسافر فقط انسان نیست، رسوم، اعتقادات و سرزمین غریبه یا طبیعت بکر بیرون از خود و خانه‌اش نیست؛ «ایه‌ها»ی است که درون تک‌تک ما نفس می‌کشد. «ایه‌ها»ی حسن، نویسنده و نظریه‌پرداز معاصر آمریکایی معاصر، با این نگاه به سفر، معتقد است زندگی در زمانه‌ی جهانی‌سازی، ریشه‌ای در شبکه‌های اجتماعی آدمی را گاه به موجودی بیش‌تعالمی تبدیل می‌کند؛ به مسافری همیشه پابه‌راه و کوله‌به‌دوش که مجال درنگ و هضم گفته‌ها، شنیده‌ها، دیده‌ها و تجربه‌ها از او دریغ می‌شود و چه بسا پیش از تجربه‌ی تمام و کمال لحظه‌ای ناب، ناگزیر در بایگانی تجربه‌های خاص تلنبارش می‌کند تا از برنامه‌ی سفر جا نماند. با پایان یافتن جهان چنان که بود و (به لطف سرعت سرسام‌آور پیشرفت‌های تکنولوژیک) شاید چنان که هست، بازتعریف بسیاری از مفاهیم بنیادین که شاید مهم‌ترین آن‌ها «خود» باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

راوی و کسی نمی‌داند در کدام زمین می‌میرد گامی بلند در مسیر درنگ مسافر برداشته و کوشیده خود را در میدان تعامل با مفهوم سفر قرار دهد. او در تعریف و

ساخت هویتش، هم خود را شجاعانه به دست ماجراهای سفر می سپارد تا به عمق استخوانش رسوخ کنند و هم، چه بسا مهم‌تر، فراتر از مسیر و مقصد سفرهایش، معنا و تعریف سفر را با آزمون و خطا در دستان خود شکل داده و خود را از موهبت تأنی، سکون و سکوت محروم نکرده است. مهزاد الیاسی بختیاری دانش آموخته‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد انسان‌شناسی از دانشگاه تهران است و در پیشینه‌ی کاری اش ویرایش، روزنامه‌نگاری و انتشار مقالات و مطالب فراوانی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مطبوعات به چشم می‌خورد. او در کنار سفرهای متعدد، در رسانه‌های مختلف نوشته و پاره‌ای از تأملاتش در سفر و درباره‌ی سفر را در کتاب پیش رو گردآوری کرده است. الیاسی در مواجهه با دنیای پیرامونش به بازتعریف نسبت خود، نه فقط با ناشناخته‌ها و غریبه‌ها که با «من» معاصر جوان ایرانی پرداخته و مؤلفه‌های امروزی بودن را مد نظر قرار داده است. بدیهی است که به‌ضرورت، برخی نام‌های کتاب مستعار هستند.

نشر اطراف پیش‌تر دوازده سفرنامه (تاریخی و معاصر) در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است. کتاب و کسی نمی‌داند در کدام زمین می‌میرد و این از یادداشت‌های سفرهای گوناگون یا سفرنامه‌هایی از یک مسافر معاصر، روایت سفری است که سال‌ها پیش شروع شده و هنوز ادامه دارد. توقف در میانه‌ی شتاب بی‌امان زندگی مدرنگی نه الزاماً در پست و خلوت، که در حرکت و در میانه‌ی هیاهوی جمعیت - به تمرینی هدفمند نیاز دارد که راوی سفرهای این کتاب با جدیتی تحسین‌انگیز آن را به سبکی از زندگی تبدیل کرده است. شاید بتوان این کتاب را جستاری بلند از جنس خودمردم‌نگاری یا سفراندیشی دانست یا پاره‌جستارهایی حاوی تأملات نویسنده.